



۲۰۱۵/۴/۱۲

حمید انوری

من رئیس جمهور افغانستان هستم

من " اشرف غنی احمدزی" رئیس جمهور خدا داد، ببخشید " امریکا داد" افغانستان هستم. از دارائی دنیا، یا بهتر گفته شود از دارائی حکومتی هیچ چیزی ندارم، به جز یک جوهره بوت، یک کیش سرشانه به رنگ سپید، یک تسبیح هزار مهره ای شاه مقصود، چهار دست پیراهن تنبان افغانی (غیر خامک دوزی)، سه عدد لنگی به رنگ های سپید، سیاه و پولادی، دو جوهره کرتی و پتلون انگریزی، یکی سیاه، یکی سرمه ئی، یک کلاه پکول نسواری، یک چوب دست ارزان قیمت برای روز های مبادا.

من رئیس جمهور افغانستان هستم. دارائی من از زمانه های قدیم، آن زمان ها که هنوز در خواب هم رویای ریاست جمهوری این کشور فلک زده را نمی دیدم و در آن دور های دور مشغول کار و کاسبی شخصی خود بودم، کمی اینجا و آنجا، بدین گونه و یا آن گونه، به ذره و مثقال و اندک اندک و خاشه خاشه مشغول و مصروف جمع آوری توشه برای روز های سالخوردگی و خانه نشینی و برای اولادک های شیرین و نازنین خود بودم، کمی هم سرمایه گرد آوردم. زیاد نیست، اما از هیچ بهتر است و گویا دست به دهن میرسد.

من که رئیس جمهور این ملک جنگ زده و محتاج این و آن هستم، از روی خدا و راستی و با وجدان پاک و بیدار لازم می دانم تا در مورد همه سرمایه های منقول و غیر منقول خود که قابل یادآوری هم نیست، به ملت جنگ زده، گرسنه، بیکار، بیمار، بی خانمان و سرگردان افغان معلومات داده و همه را ثبت اوراق و دوسیه های خاک زده و رنگ رفته دفاتر مفشن، شیک و بی دوام یکی از ده ها وزارت خانه های بی کار و بی روزگار نمایم، تا بدانید و آگاه باشید که من قبل از رسیدن به قصر ریاست جمهوری افغانستان بی در و دروازه، میلیونر بودم، تا باز فردا که از این ارگ زنده بیرون شدم، یخن چرک مرا نگیرید.

من که رئیس جمهور این خراب آباد هستم، با تمام قوا و انرژی که هنوز در من باقی مانده است و زیاد هم نیست، از همین حالا فریاد میکشم تا همه بدانند که من میلیونر وارد این ارگ به مرگ شده ام، نه مانند "حامد کرزی" که در زمین سایه و در آسمان ستاره نداشت و امروز با آل و عیال و خانمان و دور دسترخوان، همه و همه از بلیونران بزرگ در منطقه به شمار میروند.

من "محمد اشرف غنی" رئیس جمهور افغانستان در بند، قبل از اعلان سرمایه ها و دارائی های منقول و غیر منقول خود، با جرئت میگویم که مرا با سرمایه های داکتر صاحب " عبدالله" فیشنی و جناب " محقق" ماهیچه خور و " خان محمد" کله خور و نیز معاونین خودم، هر یک " رشید دوستم" گلم جم و " سرور دانش" کم خور

بالانشین، سر و کار ای نیست، آخر گفته اند که "بز از لنگ خود آویزان است و گوسفند از لنگ خود". دست شما و یخن آنها.

من که مجبور ساخته شده ام همین حکومت لرزان و تا خرخره فاسد که از "حامد کرزی" به من سپرده اند را نیز با داکتر صاحب "عبدالله" نصف کنم، فقط مسئولیت جواب دهی خودم را دارم و نه از "دوستم" و "دانش" تا "عبدالله" و کج کلاه و وزرا و وکلا و سفرا را و نه هم از "نور" و تاریکی و ظلمت و سیاهی را که میراث شوم "کرزی" به این حقیر فقیر سراپا تقصیر است. ملت میداند و حساب و کتاب شان و تصفیۀ حساب شان با آنان ای که یک شب در میان میلیونر شده اند و چند چیز دیگر.

من "محمد اشرف غنی" قبل از رسیدن به افغانستان ویرانه، میلیونر بودم، اما دیگران بعد از رسیدن به این ویرانه میلیونر شدند و اسامی عریض و طویل آنها را هم شما میدانید و هم من، ولی دستان من کاملاً بسته است و هیچ کاری در مورد از من ساخته نیست. من حتی مجبور ساخته می شوم که گاهی دریشی و نکثانی را با کلاه پکول بپوشم، گاهی پیراهن تنبان پشاور را با بوت های ایتالوی و و کرتی فرانسوی پوشیده و لنگی کشال به سر کنم و تسبیح کشال تر از آن به دست داشته و دانه بشمارم. ای مردم مظلوم افغانستان! من از شما بیچاره تر ام.

من "محمد اشرف غنی" رئیس جمهور این مُلک ویران، با حاضر دیدن یزدان و بیداری وجدان با صراحت به این ملت حیران وعده میدهم که همین میلیونر عاجز که هستم، بعد از اتمام زمان ریاست جمهوری هم همین میلیونر عاجز خواهم بود، نه بیلیونر خواهم شد و نه چیز دیگر. درست برخلاف دیگران که از خون شما و فرزندان و جگر گوشه های تان غسل طهارت کردند و هست و بود و دار و ندار تانرا به غارت بردند. من و "بی بی گل" در افغانستان فقط هشت عراده موترک غراضه داریم که قیمت مجموعی آنها فقط یک ونیم میلیون دالرک است و بس.

من "محمد اشرف غنی" صرف ۱۲۲۰ جریب زمین در کابل و لوگر دارم که میراث پدری من است و در سی سال جنگ و بربادی و چور و غارت و غاصب سالاری، هنوز هم کاملاً سالم و دست نخورده باقی مانده است. جایداد های پدری "بی بی گل" در لبنان به شما مردم هیچ ارتباطی ندارد و همچنان جایداد های ما در امریکا هم به هیچ کس مربوط نیست.

من "محمد اشرف غنی" در دارالامان کابل هم فقط یک خانه گک غریبانه دارم دارای مساحت چهار جریب زمین که در سال ۱۳۸۲ به قیمت ۲۵ میلیون افغانی (حدود ۳۷۳ هزار دالر) از "عین الدین" خریده ام که ارزش کنونی آن به ۳۵۰ میلیون افغانی (۵,۲۲ میلیون دالر) افزایش یافته است که هم اکنون "غین الدین" بر آن چشم دوخته است و از چپ و راست بر من فشار وارد میکند تا آنرا تصاحب کند.

کتاب های من و "بی بی گل" هم تنها هفت هزار جلد می شوند که در کابل است و یکه یکه همه را خریداری کرده ایم، اما از نگاه نگهداری آنها فعلاً مشکلی نداریم و خطری آنها را تهدید نمی کند، چون کسی در دور و بر

ما به کتاب علاقه ندارد، هرچند به چند جلد کتاب قشنگ و قیمتی کتابخانه ما " غین الدین" چشم دوخته است تا از روی تفنن زینت بخش کتابخانه قصر خود سازد.

اما از نگاه اینکه اگر باز هم دوران جنگ های تنظیمی سال های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ تکرار شود، می ترسم که کتاب های نازنین ما طعمه آتش شده و جنگجویان و جنگ آوران از آنها به عنوان درگیران استفاده کنند. ترس من امروز فقط و فقط از همین قضیه است که مبدا کتاب های دوست داشتنی ما طعمه آتش جاهلان گردند. باقی نه تو مانی و نه من.

و اما شما ای مردم سرزمین افغان اگر خواسته باشید میتوانید لیست تمام دارائی های منقول و غیر منقول من و " بی بی گل" را با دقت تمام مطالعه کنید و اگر روزی از این ارگ سر خور زنده و سلامت بیرون شدم، باز با من محاسبه کنید، از آن داکتر صاحب " عبدالله" را نیز مطالعه کرده و خود قضاوت کنید که رئیس اجراییه این همه پول و سرمایه را از کجا و کدام کار به دست آورده است.

یک مساله دیگر را هم نباید فراموش کرد که من خانم خود را از خارج به داخل افغانستان آوردم، اما داکتر صاحب " عبدالله" برعکس خانم و خانواده را از افغانستان به خارج فرستاد، کار ای که بشمار از آقایان کرده اند و میکنند هنوز.

من " محمد اشرف غنی" به ملت درد رسیده افغان وعده میدهم که بعد از اتمام دور کاری خود، باز هم حساب پس دهم و به اثبات برسانم که من همان میلیونر ای هستم که بودم و اگر چند میلیون دالرک ای به دارائی ما افزود شده باشد، نه از تحفه های نقدی ایران و پاکستان خواهد بود و نه از دزدیدن کمک های بین المللی برای بازسازی افغانستان و نه هم از معامله های پیدا و پنهان با چین و روسیه، بلکه از معاشات و عایدات شخصی ما در داخل و خارج از کشور خواهد بود.

من " محمد اشرف غنی" رئیس جمهور افغانستان برپا داده شده، وعده میدهم که اگر از این منزل ویران، سلامت باز به خانه رسم، هرگز شوق سرش کردن خود و فامیل خود در قصر ریاست جمهوری نکنم و هیچگاه در پی دفتر و دفتر بازی و مسافرت های بی معنی و استفاده ناجائز از مال ملت و مردم نبوده و به زندگی شخصی و خصوصی خویش، فارغ از ایجاد تفرقه و هياهو، برخوام گشت. یار زنده و صحبت باقی